



پیشنهاد مطهری به پزشکیان برای مذاکره مستقیم

علی مطهری، نماینده ادوار مجلس نامه‌ای سرگشاده خطاب به مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری نوشت. در این نامه آمده است: «با اهداء سلام و آرزوی توفیق بیشتر برای دولت چهاردهم، نظر به شرایط خطیر کشور، لازم است جناب‌عالی به عنوان نماینده ملت و رئیس شورای عالی امنیت ملی ابتکار عمل را به دست گیرید و کشور را به ساحل نجات برسانید. پیشنهاد می‌کنم اکنون که وزیر امور خارجه آمریکا درخواست مذاکره با ایران کرده است، وزارت امور خارجه اعلام نماید در صورتی که آمریکا الزام غنی‌سازی صفر را کنار بگذارد و تضمین بدهد که مجدداً حمله نمی‌کند و متعهد به پرداخت خسارت حمله اخیر شود، با توجه به درخواست قبلی ترامپ برای مذاکره با رئیس جمهور ایران، رئیس جمهور پزشکیان آماده مذاکره با ترامپ در کشور ثالث و یا در سفر ایشان به نیویورک در سازمان ملل است. بدیهی است که این پیشنهاد باید پس از تصویب در شورای عالی امنیت ملی به تأیید رهبر انقلاب برسد.» در بخش دیگر این نامه آمده است: «البته نفاق و دورویی و نقض پیمان مقامات آمریکایی ویی اعتمادی به آنها برای همه روشن است ولی در عالم حکمرانی گاهی لازم است به خاطر منافع و مصالح کشور با این موجودات خاص مواجه شد، همان‌طور که پیامبر اسلام(ص) در آستانه فتح مکه با ابوسفیان، رئیس مشرکان ملاقات و مذاکره کرد و در نتیجه مکه بدون خونریزی فتح شد. تحلیل این پیشنهاد این است که در ابتدا یا آمریکا شروط ما را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد. اگر نپذیرد و مذاکره منتفی شود، اتمام حجتی است برای ملت ما و سایر ملت‌ها و در صورتی که جنگ دوباره‌ای را آغاز کنند اتحاد مردم شدیدتر خواهد بود. اما اگر شروط ما را بپذیرد و با توجه به کیش شخصیت ترامپ احتمال پذیرفتن آن وجود دارد- و مذاکره برقرار شود و ایران پیشنهادات اقتصادی نیز مطرح کند، یا به توافق برد- برد می‌رسیم و یا به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. اگر به توافق عادلانه برسیم مطلوب ماست و اگر به نتیجه نرسیم باز اتمام حجتی است بر مردم ما و همه جهان که ایران تمام تلاش خود را برای به نتیجه رسیدن دیپلماسی انجام داد، این آمریکا بود که با زورگویی مذاکره را ابتر کرد. در نتیجه اگر حمله دوباره‌ای به کشور شود، باز اتحاد ملت دوچندان خواهد بود. این پیشنهاد در صورت عملی شدن، هم اروپا و هم رژیم اشغالگر را خلع سلاح می‌کند، چراکه می‌تواند هم اسنپ‌بک را منتفی کند و هم فاصله‌ای میان آمریکا و رژیم صهیونی ایجاد نماید. البته بدیهی است که در طول این مدت و در همه این حالات باید اتحاد ملت و آمادگی نیروهای مسلح در بالاترین سطح باشد. مستدعی است اقدام مقتضی در خصوص این پیشنهاد مبذول فرمایید.»



استیضاح یک وزیر دیگر کلید خورد

مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با انتقاد از عملکرد وزیر جهاد کشاورزی در حوزه‌های کشاورزی و منابع طبیعی به «دیده‌بان ایران» گفت: «ما به این جمع‌بندی رسیدیم که ایشان توان اداره این وزارتخانه را ندارد. اکنون نیز استیضاح او در مجلس کلید خورده و در همان ساعت اولیه جمع‌آوری استیضاح بیش از ۳۰ نفر استیضاح را امضا کردند و تصور من این است که استیضاح رای خواهد آورد.» عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با اشاره به تلاش این وزارتخانه برای انحلال سازمان شیلات و چای و انتقال منابع طبیعی به سازمان محیط زیست گفت: «از دیگر اقدامات این وزارتخانه تلاش برای انحلال سازمان شیلات و چای و انتقال منابع طبیعی به سازمان محیط زیست است. بنابراین با وجود آقای نوری‌فرقلجه، کل وزارتخانه در حال بسته شدن است و ما دیگر وزارتخانه‌ای به نام جهاد نخواهیم داشت.»

بدهکاران طلبکار

بررسی مواضع اخیر مخالفان برجام پس از طرح اسنپ‌بک



این موضوع وجود داشته و پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل ورود به دوره آتش‌بس هم یکبار دیگر موضوع گفت‌وگو و مذاکره به میان آمده است؛ ماجرای که پس از اعلام تلاش اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، پررنگ‌تر از قبل شده است.

در یک سمت، اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان و بخشی از اصول‌گرایان قرار دارند که مدافع گفت‌وگو و حل مسائل کشور با مذاکره به شمار می‌روند و در مورد اخیر و پس از جنگ، باز هم «گفت‌وگو» را بهترین ابزار می‌دانند. برای مثال می‌توان به جمله‌ای اشاره کرد که اخیراً اسحاق جهانگیری در یکی از

فرهاد فخرآبادی خبرنگار گروه سیاست

یکی از نقاط اساسی اختلاف نظر در فضای سیاسی ایران و بین دو قطب سیاسی و اصلی فعال در ایران پیرامون محوری مهم در زندگی بشر با نام «گفت‌وگو» است؛ موضوعی که یک طرف همیشه از آن حرف زده است اما طرف دیگر، موضع یکسانی درباره آن ندارد. طی همین چند وقت اخیر هم بحث پیرامون

نگاه
اصلاح‌طلب

علی باقری فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

تحریم‌ها دست‌پخت پرمدعاهای مطالبه‌گر است

که تحریم‌هایی قرار است برگردد که در زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد اعمال شده بود. تحلیل‌تان از این موضوع چیست و این رفتارها را ناشی از چه می‌دانید؟

ابتدا باید از وجود این نگاه غیرملی که در این رفا و رقبای سیاسی ما وجود دارد، ابراز تأسف کرد. اصل رقابت در حوزه سیاست، به‌رسمیت شناخته‌شده است ولی نکته‌ای که وجود دارد این است که مرز این رقابت‌ها، قاعدتاً منافع ملی کشور است. نکته اول این است که در این شرایط خطیر کشور، هو کردن اقداماتی که در گذشته باتصمیم مجموعه نظام گرفته‌شده است، رفتار غیرمسئولانه‌ای است که به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست. البته ما از این دوستان تندرو اصولگرایی مان، در سال‌های گذشته زیاد از این رفتارها دیده‌ایم و برای مان عادی شده و از این رفتارهایشان شگفت‌زده نمی‌شویم. اما به‌رغم این موضوع، انجام‌دادن این رفتارها و این ادبیات، باز هم از قبح این عمل کم نخواهد کرد. نکته بعدی این است که بارها گفته شده، معاهده برجام در شرایطی منعقد شده است که کشور در آن مقطع با شش قطعه‌نامه تحریمی متوالی مواجه بوده و توازن قوا در مذاکرات، به‌گونه‌ای نبوده که کشور

ما دست بالا را داشته باشد. بر اثر سیاست‌هایی که از سال ۸۴ به‌بعد در دولت آقای احمدی‌نژاد اعمال شد، به‌مدت ۸ سال در فضای دیپلماتیک جهانی، کشور ما با افول جایگاه در توازن بین‌المللی مواجه شد و از نظر قدرت دیپلماتیک در وضعیت پایینی قرار داشتیم. در هر گفت‌وگو و قاعده بین‌المللی هم، این قدرت است که تعیین وضعیت می‌کند. این مدعیان امروز، باید توجه کنند که در ابتدای دهه ۹۰، دست پایین را آنها در عرصه دیپلماتیک برای کشور ایجاد کردند و موقعیت‌های درخشانی را در آن سال از دست دادند. اگر اسنپ‌بک در معاهده گنجانده شده، صرفنظر از اینکه حق دوطرفه بوده، باید توجه کرد که طرف‌های مذاکره‌کننده ایرانی هم قطعاً آن موقع متوجه بودند که وجود این بند در معاهده، می‌تواند مخاطراتی را به‌دنبال داشته‌باشد، منتها باید به واقعیت‌های صحنه

سخنرانی‌های خود بیان کرد و گفته بود: «الان هم سایه جنگ باید از پیش روی کشور برداشته شود. این وظیفه حاکمیت است. ما دیپلمات‌های قوی داریم، راهی جز مذاکره وجود ندارد. کسانی که مذاکره را رد می‌کنند چه چیزی جایگزین دارند؟!» و با علی لاریجانی که گفته بود: «ما در مسئله هسته‌ای نیز مذاکره را مسیر حل و فصل می‌دانیم. مذاکره‌ای عاقلانه و واقعی.»

اما در سمت مقابل، جریان تندرو اصول‌گرا و حامیان سابق محمود احمدی‌نژاد قرار گرفته‌اند که درباره مذاکره و گفت‌وگو با جهان، دو نوع بر خورد می‌کنند. آنها با می‌گویند به صورت کلی نباید دنبال مذاکره رفت که نمونه آن را می‌توان به دو جمله قبل و بعد از جنگ ایران و اسرائیل مشاهده کرد. بهمن‌ماه سال گذشته، مرتضی آقائهرانی یکی از لیدرهای اصلی جبهه پایداری اینگونه می‌گوید: «دولت می‌داند که مذاکره راه حل مشکلات نیست و نباید این مسیر تجربه‌شده را دوباره رفت. تجربه خسارت مذاکره یک بار صورت گرفته است و معطل کردن کشور به مذاکره فرصت‌ها را از بین می‌برد و جلوی فعالیت‌ها را می‌گیرد.» اخیراً و بعد از جنگ هم روزنامه کیهان به عنوان یکی از تربیون‌های اصلی جریان تندرو، می‌نویسد: «بعد از جنگ تحمیلی دوازده‌روزه، اهمیت توان نظامی و اتحاد بیش از هر زمانی برای همه ما اثبات و معلوم شد با مذاکره، بسیاری از این مشکلات را نمی‌توان حل کرد؛ چراکه دشمن وسط همین مذاکره حمله و ۱۱۰۰ تن از هموطنان مان را به شهادت رساند.» اما نکته جالب توجه درباره این جریان، به جایی برمی‌گردد که آنها استثنایی هم برای مذاکره قائل می‌شوند و جهان را به دو نیمکره شرقی و غربی تقسیم می‌کنند. کیهان اخیراً نوشته بود: «اکنون پرسش اصلی این است. آیا وقت آن نرسیده که جریان غربگرا از خواب بیدار شود و به‌جای نسخه فرسوده «ارتباط با غرب» به هر قیمت، نگاه خود را متوجه فرصت‌های بی‌ظنیر در جهان غیرغربی کند؟»

در کنار این دیدگاه‌ها درباره مذاکره، ذکر یک نکته درباره فضای داخلی تندروهای اصول‌گرا و مخالفان مذاکره مهم است. بخشی از آنها که به صورت مشخص نزدیکان گذشته محمود احمدی‌نژاد محسوب می‌شوند و در دولت حسن روحانی با عنوان «دلواپسان» مشغول به کار بودند، پس از اقدام اروپا برای فعال کردن مکانیسم ماشه، فریاد زدن را شروع کرده‌اند و می‌گویند اقدام احتمالی اروپا برای فعال کردن مکانیسم ماشه، به علت اشتباهی بوده است که در دولت حسن روحانی در برجام صورت گرفته است. اما هیچ‌ک از آنها به این پرسش پاسخ نمی‌دهند که تحریم‌هایی که قرار است برگردد محصول عملکرد چه دوره‌ای است؟ بدهکاران طلبکار، ظاهراً یا خودشان را به فراموشی مصلحتی زده‌اند یا تصور می‌کنند که جامعه‌الزالیمر گرفته و یادش رفته که آنچه قرار است با مکانیسم ماشه برگردد، حاصل دوره‌ای است که مدیریت دولت در اختیار محمود احمدی‌نژاد بود و سعید جلیلی در رأس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای قرار داشت و حالا آنها دلواپس بازگشت تحریم‌هایی شده‌اند که ماحصل مدیریت نورچشمی‌های خودشان است.

مذاکره هم توجه کرد. نکته بعد در این ارتباط این است که همان‌طور هم که آقای ظریف اخیراً اشاره کرده‌اند، نهایت این است که اگر طرف اروپایی بتواند اسنپ‌بک را اعمال کند و آن را به کرسی بنشاند، تازه شرایط کشور به شرایطی برمی‌گردد که قبل از روی کار آمدن دولت آقای روحانی داشتیم. یعنی درواقع برجام، یک تنفس گاهی را برای کشور به مدت ۱۰ سال ایجاد کرد. این پرمدعاهایی که امروز مطالبه‌گر چرایی نقص‌های برجام هستند، خودشان را به تغافل زده‌اند که تحریم‌ها مربوط به چه زمانی است و نهایتاً اعمال اسنپ‌بک، وضعیت را به شرایطی برمی‌گرداند که دستپخت این جریان سیاسی در دوره آقای احمدی‌نژاد برای کشور بوده است.

یکی دیگر از مباحث، موضوع گفت‌وگو است. اصلاح‌طلبان مدافع گفت‌وگو هستند و می‌گویند با گفت‌وگو باید مسائل را حل کرد اما دیدگاهی

در بین اصول‌گرایان وجود دارد که می‌گویند، با توجه به تجربه‌های قبلی نباید مذاکره کرد یا اینکه فقط به سمت شرق حرکت کنیم. به‌نظران در این

موضوع جمهوری اسلامی باید چه کند؟

نکته‌ای که وجود دارد این است که من اساساً منطق افرادی که با گفت‌وگو کردن مخالف هستند را نمی‌فهمم. یک استدلالی که بعد از جنگ در بین آنها به گوش می‌رسد، این است که گفت‌وگو و دیپلماسی را در مقابل تجهیز قدرت دفاعی کشور قرار می‌دهند و آن را منکوب می‌کنند که کاملاً دوگانه باطلی است. خیلی روشن است که مخالفت با گفت‌وگو کردن و پیگیری ابزار دیپلماتیک در مواجهه با شرق و غرب و قدرت‌های منطقه‌ای، اساساً فاقد منطق است. گفت‌وگو قرار نیست که قدرت دفاعی ما را کم کند یا اینکه مانع از تقویت قدرت دفاعی کشور ما شود. شما دو مسیر متفاوت برای تامین منافع ملی کشور در مقابل خود دارید. همین‌طور که گفت‌وگو و دیپلماسی با جهان یک ابزار بشمار می‌رود، قدرت بازآرندگی هم یک ابزار است که مجموعه همه اینها یعنی هم گفت‌وگو، هم قدرت بازآرندگی در نهایت باید در خدمت منافع ملی کشور قرار بگیرند. من اصل‌انگشیده‌ام که مخالفان گفت‌وگو استدلالی ارائه دهند که چه زبانی از انجام گفت‌وگو با طرف‌های غربی در موضوع هسته‌ای وجود داشته است. قرار نیست که به مجرد پذیرفتن گفت‌وگو، در پای میز مذاکره شما تعهدی را امضاء کنید و متعهد به کاری شوید. شما گفت‌وگو می‌کنید و در تلاش هستید تا از طریق گفت‌وگو، بخشی از منافع کشور را تامین کنید. اگر هم موفق نشوید که هیچ بخشی از

